

ارزیابی نقش اتحادیه اروپا در قبال

تهدیدات آمریکا بر ضد ایران^۱

مهدی امیری

چکیده

از زمان روی کار آمدن دولت سید محمد خاتمی در سال ۱۳۷۶ (۱۹۹۷)، رویکرد مثبت اتحادیه اروپا در قبال تحولات داخلی ایران سبب بهبود روابط دو طرف شده است. تبدیل «گفتگوی انتقادی» اتحادیه اروپا و ایران به «گفتگوی فراگیر» در سال ۱۹۹۸، مؤید تحول اساسی در روابط طرفین است.

موضوع‌های مورد توجه ایران و اتحادیه اروپا شامل سه بخش مسائل جهانی (تروریسم، حقوق بشر و تکثیر تسلیحات)، مسائل منطقه‌ای (عراق، خلیج فارس، آسیای مرکزی و فرایند صلح خاورمیانه) و زمینه‌های همکاری (مواد مخدر، آوارگان، انرژی، تجارت و سرمایه‌گذاری) می‌شود.

۱. این مقاله براساس گزارش کارشناسی آقای مهدی امیری در دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس با نظارت علمی آقای دکتر وحید سینانی و آقای مصطفی ایمانی تنظیم شده که پیش از این مستقلاً با شماره ۶۴۸۸ در مهر ۱۳۸۱ انتشار یافته است.

مسائل اقتصادی نیز همواره بخش مهمی از گفتگوهای ایران و اتحادیه اروپا را به خود اختصاص داده است و در این میان طرف اروپایی خواهان اصلاح قوانین و ساختار اقتصادی ایران بوده و آن را پیش شرط لازم برای ارتقا و بهبود سطح همکاری‌های اقتصادی خود با ایران دانسته است.

با وجود روابط روبه رشد این اتحادیه با ایران، نقش بازدارنده اروپا در قبال تهدیدات آمریکا بر ضد ایران تا حدود زیادی بستگی به میزان اشتراک یا اختلاف منافع، دیدگاه‌ها و روش‌های اروپا و آمریکا در مورد ایران دارد.

اتحادیه اروپا علی‌رغم اشتراک منافع با ایالات متحده، مواضع متفاوتی در روش برخورد با ایران دارد. اتحادیه یاد شده برخلاف آمریکا، دارای نگرشی ایجابی در خصوص ایران است و با روش سلبی آمریکا نظیر وضع مجازات‌های اقتصادی مخالف است.

هرچند اتحادیه اروپا به مذاکراه، همکاری و روابط خود با ایران ادامه می‌دهد، اما مقامات اروپایی در جریان بحران کوزوو و قضایای عراق و افغانستان نشان دادند که عملاً دنباله‌رو ایالات متحده هستند و در صورت عملی شدن تهدیدات آمریکا بر ضد ایران صرفاً به مخالفت‌های شفاهی اکتفا خواهند کرد؛ به عبارت دیگر نمی‌توان انتظار داشت که اتحادیه اروپا در شرایط بحرانی در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی به حمایت جدی و گسترده از ایران پردازد.

مقدمه

اطلاق اصطلاح «محور شرارت» از سوی رئیس جمهوری آمریکا به سه کشور ایران، عراق و کره شمالی و مجموعه تحرکات و اقدامات واشنگتن در ماه‌های اخیر سبب شده است تا محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران با شرایط و موقعیت کاملاً ویژه‌ای که حاکی از نقش آفرینی چالش‌زای متغیرها و دروندادهای جدید است مواجه شود. جورج بوش در سخنرانی سالانه خود در کنگره ایالات متحده، ایران و عراق و کره شمالی را متهم به تلاش برای تولید سلاح‌های کشتار جمعی و حمایت از تروریسم کرد و آن‌ها را تهدیدی برای

آمریکا و متحدان آن دانست. سایر مقامات آمریکایی، نیز به تکرار و تأیید این اتهامات پرداختند. تحلیل اظهارات مقامات آمریکایی حاکی از پافشاری و احتمالاً جدیت آنان در خصوص مواضع اتخاذی بر ضد سه کشور مذکور است.

در خصوص ایران، اتهامات مطرح شده از سوی آمریکا را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی کرد. دسته اول، شامل اتهامات قدیمی و متضادی نظیر حمایت از تروریسم و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی است. دسته دوم نیز اتهامات جدیدی نظیر پناه دادن و حمایت از اعضای القاعده و تلاش برای تضعیف ساختار سیاسی نوظهور افغانستان را در بر می‌گیرد. چیزی که اهمیت این اتهامات را دوچندان می‌کند آن است که پس از وقایع یازدهم سپتامبر مقابله با تمامی موارد مذکور به اولویت نخست سیاست خارجی ایالات متحده تبدیل شده است. به همین دلیل بسیاری از ناظران و صاحب‌نظران معتقد به جدی بودن تهدیدات اخیر آمریکا بر ضد ایران هستند.

این مسأله سبب شده است تا موضوع اتخاذ ترتیبات و تمهیدات لازم برای تخفیف یا بی‌اثر ساختن تهدیدات آمریکا به یکی از محوری‌ترین مسائل در مجموعه ملاحظات نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل شود. اکنون متغیر تهدید خارجی در روند تصمیم‌گیری و پویای سیاست‌گذاری کشور حضوری پررنگ دارد و این مسأله موجب شده است تا دیدگاه‌های مختلفی در خصوص راه‌های خروج از وضعیت خطیر کنونی ابراز شود.

در این میان، موضوع نزدیکی به اتحادیه اروپا و تکیه بر توان بالقوه و بالفعل این اتحادیه در برابر تهدید یا تجاوز آمریکا از جمله راه‌کارهایی است که برخی محافل رسمی و غیررسمی مطرح می‌کنند. این گروه از صاحب‌نظران معتقدند که اتحادیه اروپا به دلیل روابط نزدیک و همگرایانه‌اش با آمریکا، قادر به ایفای نقش بازدارنده در مقابل تهدید یا تجاوز آمریکا بر ضد ایران است.

بدین ترتیب توصیه آنان نزدیکی سریع و همه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران به اتحادیه اروپا به عنوان یک قطب مهم و تأثیرگذار در نظام بین‌الملل است. طبیعتاً ارزیابی این مسأله که آیا اتحادیه اروپا می‌تواند نقش بازدارنده‌ای در قبال ایالات متحده بازی کند یا خیر،

نیازمند تجزیه و تحلیل دقیق و همه جانبه ابعاد و زوایای مختلف موضوع است. نتیجه این بررسی می‌تواند فرصت مناسبی در اختیار نهادهای سیاستگذاری ایران قرار دهد تا در شرایط خطیر کنونی با تکیه بر واقعیات موجود به تدوین و کاربست راهبردی عقلایی و سودمند پردازند. از این رو نوشتار حاضر به بررسی این موضوع می‌پردازد که جمهوری اسلامی ایران در شرایط تهدیدکننده فعلی تا چه میزان می‌تواند به نقش آفرینی مؤثر اتحادیه اروپایی به نفع خود امیدوار باشد. به عبارت دیگر، پرسش اصلی این نوشته آن است که در شرایط عملی شدن تهدیدات آمریکا بر ضد ایران، اتحادیه اروپا تا چه میزان می‌تواند برای رفع این تهدیدات به ایفای نقش بازدارندگی و حمایت‌گرایانه به سود ایران پردازد.

گفتار اول - کلیاتی در زمینه روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا

۱. نگاهی به پیشینه روابط ایران و اتحادیه اروپا

به طور کلی روابط ایران و اتحادیه اروپا را می‌توان در سه دوره زمانی مختلف بررسی و ارزیابی کرد.

مرحله اول، از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا اوایل دهه ۱۹۹۰ را شامل می‌شود. دو این دوران، مناسبات دو طرف سرد و غیردوستانه و فضای بی‌اعتمادی بر آن حاکم بود. نزدیکی دیدگاه‌های اتحادیه اروپا به نظرات آمریکا مبنی بر این که ایران تهدیدی برای منطقه است و نیز بروز برخی موضوعات، نظیر مسأله سلمان رشدی، کلیت روابط دو طرف را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود.

مرحله دوم، از اوایل دهه ۱۹۹۰ تا روی کار آمدن دولت آقای خاتمی در سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶) را شامل می‌شود. در این مرحله نیز با وجود برخی تحولات در روابط دو طرف، نظیر تصمیم اتحادیه اروپا برای گفتگوی انتقادی^۱ با ایران یا پیروی نکردن از آمریکا در تحریم اقتصادی ایران، کم‌ترکی در روابط دو طرف تداوم داشت.

1. critical dialogue

در مرحله سوم که از زمان روی کار آمدن دولت آقای خاتمی در سال ۱۹۹۷ آغاز شده است و تا امروز ادامه دارد رویکرد مثبت اتحادیه اروپا به تحولات داخلی ایران و تمایل اعضای این اتحادیه برای حمایت از دولت جدیدی که سیاست تنش‌زدایی را اصل اول سیاست خارجی خود اعلام کرده، سبب بهبود بی‌سابقه روابط دو طرف شده است. تبدیل گفتگوی انتقادی اتحادیه اروپا و ایران به گفتگوی فراگیر^۱ در سال ۱۹۹۸ خود مؤید این تحول اساسی در مناسبات دو طرف است. شاخص دیگر در تأیید این تحول به رفت و آمدهای مقامات مهم دو طرف مربوط می‌شود. این رفت و آمدها حاکی از اراده ایران و کشورهای عضو اتحادیه اروپا برای پیشبرد روابط خویش است.

به طور کلی باید مجموعه تحولات مربوط به دوره سوم را نقطه عطفی در روابط ایران و اتحادیه اروپا به حساب آورد، هر چند که این امر به معنای برطرف شدن کامل چالش‌ها، سوء تفاهم‌ها و موانع فراروی روابط دو طرف نیست. به طور کلی دلایل سردی مناسبات ایران و اتحادیه اروپا در دهه ۱۹۸۰ و علل تحول‌کنند و سپس شتابان این روابط را می‌توان در چارچوب سه سطح تحلیل کلان (سیستمی)، منطقه‌ای و خرد (داخلی) بررسی کرد.

در سطح تحلیل سیستمی با عنایت به ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل در دوره زمانی پیش و پس از فروپاشی شوروی سابق، می‌توان به تحلیل تحولات رفتاری اتحادیه اروپا در قبال ایران پرداخت. پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نظام دو قطبی حاکم بر روابط بین‌الملل، مجموعه کشورهای غربی و سرمایه‌داری را در بلوکی قرار داده بود که رهبری آن را آمریکا بر عهده داشت. جهت‌گیری‌های این کشورها در عرصه سیاست خارجی عمدتاً هماهنگ و سازگار با مواضع ایالات متحده بود. تحت این شرایط، اتحادیه اروپا به عنوان یک عضو مهم بلوک سرمایه‌داری، در برخورد با جمهوری اسلامی ایران در سراسر دهه ۱۹۸۰ سیاستی هماهنگ با ایالات متحده آمریکا در پیش گرفت و روابط خود را با ایران محدود کرد.

پس از فروپاشی شوروی، اتحادیه اروپا در یک نظام نوین چند قطبی از آزادی عمل بیش تری در سیاست خارجی خود برخوردار شد؛ به نحوی که در بسیاری مواقع با وجود مخالفت و هشدارهای آمریکا سیاست نزدیکی به ایران را در پیش گرفت.

در سطح تحلیل منطقه‌ای وقوع حوادثی نظیر حمله عراق به کویت، اتحادیه اروپا را وادار به تجدیدنظر در برداشت‌های اولیه خود در خصوص ایران کرد. این حادثه نشان داد که قضاوت اروپاییان در خصوص جنگ طلبی ایران و این که این کشور تهدید اصلی برای منطقه به شمار می‌رود نادرست است. پس از مدتی با قدرت‌یابی رژیم تهدیدگر طالبان در افغانستان، نقش و اهمیت ایران بیش تر مورد توجه اتحادیه اروپا قرار گرفت.

سرانجام در سطح داخلی، همان طور که پیش تر اشاره شد، روی کار آمدن دولتی اصلاح طلب در ایران که سیاست قانونگرایی در داخل و تنش زدایی در خارج را دنبال می‌کرد انگیزه مضاعفی برای نزدیکی اتحادیه اروپا به ایران فراهم کرد. این امر در کنار علاقه طرف ایرانی برای بهبود روابط خود با اروپا منجر به ارتقای سطح مناسبات دو طرف از لحاظ کیفی و کمی شد.

۲. صورت‌بندی موضوعات مورد توجه

در گزارش کمیسیون جوامع اروپایی^۱ خطاب به پارلمان و شورای اروپا^۲ به سلسله موضوعات مورد توجه ایران و اتحادیه اروپا در قالب گفتگوهای فراگیر در سه بخش اشاره شده است:

- مسائل جهانی^۳ (تروریسم، حقوق بشر و تکثیر تسلیحات)؛
- مسائل منطقه‌ای^۴ (عراق، خلیج فارس، آسیای مرکزی و فرایند صلح خاورمیانه)؛

1. Commission of the European Communities
 2. European Parliament and the Council
 3. global issues
 4. regional issues

- زمینه‌های همکاری^۱ (مواد مخدر، آوارگان، انرژی، تجارت و سرمایه‌گذاری).^۲ بخش سیاسی این گفتگو موضوعاتی در باب کشمکش‌ها و مناقشات منطقه‌ای، از جمله مناقشه خاورمیانه، عدم تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی، حقوق بشر و تروریسم را در بر می‌گیرد.^۳ در عین حال در متونی که مجامع مرتبط یا غیرمرتبط با اتحادیه اروپا در خصوص روابط این اتحادیه با ایران ارائه می‌کنند، معمولاً از موضوعات فوق به عنوان چالش‌های همکاری دو طرف نام برده می‌شود.^۴ در واقع اختلاف ایران و اتحادیه اروپا در خصوص این مسائل، یکی از مهم‌ترین موانع توسعه روابط دو طرف به حساب می‌آید. در ادامه، در مورد این موضوعات بیش‌تر سخن خواهیم گفت.

موضوعات و مسائل اقتصادی نیز همواره جایگاه مهمی در مجموعه گفتگوهای ایران و اتحادیه اروپا داشته است. در این میان، طرف اروپایی خواهان اصلاح قوانین و ساختار اقتصادی ایران بوده و آن را پیش شرط لازم برای ارتقا و بهبود سطح همکاری‌های اقتصادی خود با ایران دانسته است. کمیته صنعت، تجارت خارجی، تحقیق و انرژی^۵ پارلمان اروپا در گزارشی که در ششم نوامبر ۲۰۰۱ منتشر کرد، از تصویب لایحه سرمایه‌گذاری خارجی در مجلس ایران در ماه مه همان سال استقبال کرد. در این گزارش، قانون جدید نسبت به قانون قبلی منعطف‌تر معرفی شده است. این کمیته همچنین از تصویب قانونی که ایران را قادر به الحاق به کنوانسیون نیویورک در خصوص داوری بین‌المللی^۶ می‌کند و باعث ایجاد اعتماد مورد نیاز برای جذب سرمایه‌گذاری از خارج می‌شود استقبال کرد.^۷

1. areas of cooperation

2. "EU Relations with the Islamic Republic of Iran", *www.europa.eu.Int.* 7/2/2001, p. 1.

3. "The EU's Relation With Iran", *www.eurunion.org*, 20/2/2001.

4. "EU Relations With the Islamic Republic Of Iran", *op. cit.*, pp.7-8.

5. Committee on Industry, External Trade, Research and Energy

6. New York Convention on International Arbitration

7. "Opinion Committee on Industry, External Trade, Research and Energy", *www.europa.eu. Int.* 6 November 2001. p.5.

۳. روابط اقتصادی و زمینه‌های همکاری

ایران و اتحادیه اروپا عملاً روابط اقتصادی گسترده‌ای دارند. دو طرف همچنین در خصوص برخی موضوعات خطیر مانند مسأله مواد مخدر و آوارگان با یکدیگر همکاری می‌کنند. اتحادیه اروپا اصلی‌ترین شریک تجاری ایران در هر دو زمینه واردات (حدود ۴۰ درصد) و صادرات (حدود ۳۶ درصد) است.^۱ حدود ۷۵ درصد از واردات اتحادیه اروپا از ایران شامل فرآورده‌های نفتی است، در حالی که صادرات اتحادیه به ایران عمدتاً شامل محصولات ماشینی، مکانیکی و دیگر کالاهای مصرفی می‌شود.^۲

طرف اروپایی معتقد است که محیط اجرایی و حقوقی ایران برای تجارت و سرمایه‌گذاری فاقد شفافیت است و لذا موجب دلسردی واردکنندگان و سرمایه‌گذاران بالقوه می‌شود.^۳ به همین دلیل اروپا همواره خواهان اتخاذ تریباتی برای بهبود وضعیت سرمایه‌گذاری در ایران بوده است. نکته مهم در خصوص روابط اقتصادی دو طرف آن است که اتحادیه اروپا در ۱۷ ژوئن ۲۰۰۲ تصمیم به آغاز مذاکرات برای امضای توافقنامه اقتصادی و بازرگانی با تهران گرفت. این توافق اهمیت فراوانی دارد زیرا نخستین توافقنامه در نوع خود میان ایران و اتحادیه اروپاست.

در خصوص زمینه‌های همکاری اتحادیه اروپا و ایران می‌توان به مسأله مواد مخدر و آوارگان به عنوان دو موضوع بسیار مهم در چارچوب علائق مشترک ایران و اتحادیه اروپا اشاره کرد. کنترل مواد مخدر و مساعدت به آوارگان، اولویت‌های اصلی در کمک اتحادیه اروپا به ایران بوده است. در زمینه کنترل مواد مخدر، کمیسیون اروپایی همراه با کارگزاری تخصصی سازمان ملل و دولت ایران در سه حوزه کاهش تقاضا، افزایش آگاهی و مساعدت حقوقی همکاری کرده است.

1. "The EU's Relation with Iran", *op. cit.*

2. Ahto Lobyakas, "EU: Relation with Iran Heading for a Thaw Despite Human Rights", www.rferl.org, 11/9/2001.

3. "Opinion Committee on Industry, External Trade, Research and Energy", *op. cit.*, p.4.

مسأله آوارگان نیز یکی دیگر از زمینه‌های همکاری اتحادیه اروپا با ایران بوده است. از آن‌جا که ایران بار سنگین یک جمعیت آواره تقریباً دو میلیونی، شامل یک و نیم میلیون آواره افغانی را تحمل می‌کند، جامعه اروپا در سال‌های مختلف کمک‌هایی در اختیار این کشور قرار داده است.

۴. اهمیت روابط ایران و اتحادیه اروپا برای طرفین

تمایل ایران و اتحادیه اروپا برای افزایش سطح روابط خود در چند سال اخیر طبعاً ناشی از اهمیتی است که این مناسبات از جهات مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای هریک از طرفین دارد.

در مورد ایران، به لحاظ سیاسی، روابط با اتحادیه اروپا فرصتی مناسب برای تحدید و خنثی‌سازی مجموعه تلاش‌هایی است که با هدف منزوی کردن ایران در عرصه نظام بین‌الملل صورت می‌گیرد. حمایت‌های اتحادیه اروپا به عنوان یک بازیگر تأثیرگذار در معادلات سیاست بین‌الملل می‌تواند پشتوانه مناسبی برای کاهش فشارهای سیاسی ایالات متحده بر جمهوری اسلامی ایران باشد.

ایران از زمان پیروزی انقلاب در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی، از طریق ساز و کارها و ابزارهای مختلف سیاسی و اقتصادی زیر فشار غرب به رهبری آمریکا بوده است. این فشارها که با هدف کاهش توان تأثیرگذاری ایران بر منطقه و جهان انجام شده در افزایش شمار و دامنه چالش‌های خارجی ایران نقش زیادی داشته است. در چنین شرایطی و با توجه به اصرار آمریکا برای پیگیری سیاست‌های محدودیت‌زای خود برای ایران، برخورداری از روابط مساعد و رو به رشد با اتحادیه اروپا - که خود بخش عمده‌ای از پیکره جهان سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهد - به مثابه ساز و کاری مؤثر در جلوگیری از اتحاد کامل جهان غرب برای اعمال سیاست‌های تخاصمی بر ضد ایران خواهد بود.

گفتنی است در حال حاضر می‌توان دو رویکرد مشخص را در برخورد جهان غرب با ایران مشخص کرد. رویکردی که به روابط با ایران نگاهی سلبی دارد و در پی اعمال فشار

بیش تر بر این کشور است. این رویکرد مورد تأکید آمریکا است. رویکرد دوم معتقد به همکاری و معاضدت سیاسی و اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران است در این میان به نظر می‌رسد که برقراری روابط گسترده با اتحادیه اروپا گامی برای تقویت رویکرد دوم در مجموعه ملاحظات غرب در قبال ایران است. از این رو روابط مذکور می‌تواند در کاهش فشارهای نشأت گرفته از تجویزات رویکرد اول که به دنبال منزوی کردن ایران است مؤثر باشد. نکته امیدوار کننده در این میان بی‌اعتقادی اتحادیه اروپا به منزوی کردن کشورهای است که آمریکا آن‌ها را غیرقابل قبول و مطرود می‌داند. در واقع تمایل نداشتن اروپا به انزوای این دولت‌ها فرصتی برای آن فراهم کرد تا به پیگیری آن چه خود گفتگوی انتقادی می‌نامد پردازد.^۱

از لحاظ اقتصادی، روابط با اتحادیه اروپا فرصت‌های تازه‌ای برای پیشبرد برنامه‌های اقتصادی ایران فراهم خواهد کرد. جمهوری اسلامی ایران به دلیل برخورداری از ویژگی‌های یک کشور در حال توسعه، علاقه‌مند به گسترش روابط اقتصادی خود با این اتحادیه است. نیاز شدید ایران به جذب سرمایه خارجی، اهمیت گسترش روابط با اتحادیه اروپا را که از ظرفیت بالایی برای سرمایه‌گذاری در ایران برخوردار است دو چندان می‌سازد.

نزدیکی به اتحادیه اروپا می‌تواند بسیاری از مشکلاتی را که از کمبودهای تکنولوژیکی نشأت می‌گیرد برطرف کند. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران در صورت اولویت دادن به راهبرد توسعه اقتصادی، نیاز زیادی به جذب هرچه بیشتر تکنولوژی اروپا دارد و این مسأله در شرایط محدودیت‌های اعمال شده از سوی آمریکا بر ضد ایران اهمیت بیش تری می‌یابد.

در مقابل، روابط با ایران نیز از جهات مختلف برای اتحادیه اروپا حائز اهمیت است. به لحاظ سیاسی، ارتباط نزدیک و همه جانبه با ایران با توجه به نقش محوری و امتیازات

1. Bruce Hoffman, "Is Europe Soft on Terrorism?", *Foreign Policy*, Summer 1999 (or www.Foreignpolicy.com/issue/hoffman Sept. & Oct. 2001.)

ژئوپولتیکی آن متضمن حضور فعال تر و کم چالش تر اتحادیه اروپا در مناطق استراتژیکی نظیر خلیج فارس و آسیای مرکزی و قفقاز است.

به لحاظ اقتصادی، اتحادیه اروپا روابط نزدیک با ایران را اقدامی راهبردی برای تأمین ملاحظات خود در زمینه انرژی می‌داند. این اتحادیه به عنوان نهادی مشکل از چندین کشور صنعتی در مورد مسائل کلان انرژی، به ویژه نفت، حساسیت خاصی دارد. اهمیت حیاتی نفت برای کشورهای اروپایی سبب شده است تا اتحادیه اروپا به کشورها یا مناطق برخوردار از این انرژی نگاه ویژه‌ای داشته باشد. در این میان، جمهوری اسلامی ایران با در اختیار داشتن نزدیک به ۹ درصد مجموعه ذخایر نفتی دنیا و نیز مجاورت با دو حوزه نفتی مهم دنیا (خلیج فارس و خزر) اهمیت خاصی برای این اتحادیه می‌یابد؛ چرا که روابط نزدیک با این کشور می‌تواند جریان ورود نفت به کشورهای اروپایی را تضمین کند. موقعیت راهبردی ایران، همراه با نزدیکی آن به آذربایجان، ترکمنستان، دریای خزر و خلیج فارس، شرکت‌های نفتی اروپایی را به طرفداری از گزینه اقتصادی تر و کم هزینه تر ایران (در خصوص انتقال نفت خزر) سوق داده است.^۱

با توجه به افزایش اهمیت انرژی گاز در معادلات جهانی انرژی، کشورهای اروپایی ضرورت نزدیکی به ایران را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین حوزه‌های گاز جهان که ۱۶ درصد از مجموعه ذخایر این انرژی را داراست بیش تر لمس می‌کنند. علاوه بر مسائل مربوط به انرژی، موضوع دستیابی به بازار گسترده ایران، ملاحظه اقتصادی دیگری است که اتحادیه اروپا در برقراری روابط با این کشور مد نظر دارد.

به لحاظ امنیتی نیز اتحادیه اروپا، به ویژه در سال‌های اخیر، بر اهمیت نقش منطقه‌ای و جهانی ایران صحنه گذاشته است. پس از تبدیل افغانستان به محیطی چالش‌زا برای امنیت جهانی، اهمیت روابط با جمهوری اسلامی ایران که بیش از ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان دارد بیش از گذشته برای کشورهای اروپایی به اثبات رسید. افغانستان در سال‌های گذشته بزرگ‌ترین تولید کننده و صادر کننده مواد مخدر بوده که بخش عمده‌ای از آن

1. "Iran and Turkey: Europe's Dilemma", *Euro-focus*, Vol. 4, No. 2, 10 Feb. 1999.

کشورهای اروپایی صادر شده است. این مسأله منجر به رشد تهدیدات و چالش‌های امنیتی نرم‌افزاری برای اروپایی‌ها شده است.

بعز افغانستان، مجاورت ایران با کشورها و مناطق تهدیدزای دیگر، اهمیت تعامل با آن را برای اروپا دوچندان کرده است. کمیته روابط خارجی، حقوق بشر، امنیت مشترک و سیاست دفاعی پارلمان اروپا، در گزارش خود با اشاره به موقعیت ایران در منطقه‌ای استراتژیک و مهم، بر اهمیت تعامل با این کشور تأکید کرده است. این گزارش حاکی از وقوف اتحادیه اروپا به اهمیت ایران در منطقه‌ای چالش‌زاست.^۱ در مجموع، اهمیت روابط ایران و اتحادیه اروپا در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی سبب شده است تا دو طرف موضوع گسترش روابط با یکدیگر را مورد توجه قرار دهند.

گفتار دوم - ارزیابی میزان همگرایی و واگرایی منافع و دیدگاه‌های اتحادیه اروپا و آمریکا در قبال ایران

در گفتار پیشین تأکید گردید که روابط اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی ایران از یک روند رو به رشد برخوردار بوده است. با این حال پاسخ به این سؤال که آیا اتحادیه اروپا می‌تواند نقش بازدارنده‌ای در قبال تهدیدات آمریکا بر ضد ایران داشته باشد، تا حدود زیادی بستگی به میزان اشتراک یا اختلاف منافع، دیدگاه‌ها و روش‌های اروپا و آمریکا در برابر ایران دارد. طبیعتاً هر چه قدر منافع مشترک اتحادیه اروپا و آمریکا در قبال ایران بیش‌تر باشد انتظار برای تحقق رفتار بازدارنده فوق‌کم‌تر خواهد بود. از این رو در این بخش تلاش خواهد شد تا میزان همسویی یا ناهمسویی منافع، دیدگاه‌ها و روش‌های اتحادیه اروپا و آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران ارزیابی شود.

۱. منافع و دیدگاه‌های آمریکا در قبال ایران

ایالات متحده آمریکا در طول سال‌های گذشته با طرح اتهامات مختلف بر ضد ایران همواره به دنبال تحدید محیط عملیاتی و توان بازنگری این کشور بوده است. به طور کلی

1. Committee on Foreign Affairs, Human Rights, Common Security and Defence Policy, "Draft Report", www.Europa.eu.Int, 3 October 2001, p.13.

می‌توان مهم‌ترین محورهای مواضع و دیدگاه‌های آمریکا در خصوص ایران را بدین شرح برشمرد:

۱. جمهوری اسلامی ایران، حامی، مشوق و صادرکننده تروریسم است؛
۲. ایران مخفیانه در پی دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی است؛
۳. ایران فعالانه در پی کارشکنی در روند صلح خاورمیانه است؛
۴. حکومت ایران ناقض حقوق بشر در داخل کشور است و از رشد آزادی‌های مدنی در ایران جلوگیری می‌کند؛
۵. با توجه به موارد مذکور، جمهوری اسلامی ایران تهدیدی برای صلح و ثبات منطقه و جهان به شمار می‌رود.

ایالات متحده با طرح این اتهامات، همواره در پی تحمیل فشار خود و جامعه بین‌المللی بر ایران بوده است. واشنگتن عادی‌سازی روابط خود با تهران را همواره مشروط به رعایت سه شرط از سوی ایران کرده است: تلاش نکردن برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، حمایت نکردن از تروریسم و مخالفت نکردن با روند صلح خاورمیانه. نکته‌ای که در این جا اهمیت دارد آن است که دوایر سیاستگذاری آمریکا به ویژه پس از حوادث یازدهم سپتامبر تمامی موارد مذکور را در چارچوب منافع ملی ایالات متحده تعریف و طبقه‌بندی کرده‌اند. از نظر دولتمردان آمریکایی دستیابی کشورهایی چون ایران به سلاح‌های هسته‌ای یا حمایت از آن چه آمریکاییان آن را اقدامات تروریستی می‌نامند به مثابه تهدیدی اساسی برای منافع ملی ایالات متحده به حساب می‌آید. ادامه مناقشه در خاورمیانه، تلاش‌های آمریکا را برای ایجاد صلح مورد نظر آن کشور بی‌اثر کرده است. همچنین هزینه‌های سنگینی را متوجه این کشور ساخته و به رشد تروریسم فرامرزی کمک کرده است. از این رو هرگونه تلاش برای تسهیل، تسریع و تحقق روند صلح خاورمیانه همسو با منافع ملی آمریکا در منطقه قلمداد و مخالفت با آن مغایر با منافع واشنگتن تلقی می‌شود. بدین ترتیب جلوگیری از اعمال نظر کشورهای مخالفی نظیر ایران در خصوص روند صلح خاورمیانه نیز در راستای منافع ایالات متحده محسوب می‌شود.

ایالات متحده در جهت تأمین اهداف و منافع خود همواره با نگرش سلبی در قبال جمهوری اسلامی ایران، تلاش کرده است تا از طریق وضع سیاست‌های محدودیت‌زا و همچون تحریم و مجازات‌های اقتصادی به مقاصد مورد نظر خود در خصوص ایران دست یابد. در شرایط بی‌میلی دولتمردان ایرانی برای انجام مذاکره با آمریکا، پیگیری اقدامات و سیاست‌های مذکور از سوی آمریکا شدت بیش‌تری یافته است.

۲. منافع و دیدگاه‌های اتحادیه اروپا در قبال ایران

اکنون باید دید که منافع و دیدگاه‌های اتحادیه اروپا با منافع، نگرش‌ها و روش‌های ایالات متحده آمریکا در قبال ایران تا چه میزان اشتراک یا اختلاف دارد. در اینجا به بررسی دیدگاه اتحادیه اروپا در قبال هریک از این موضوعات می‌پردازیم.

۱-۲. سلاح‌های کشتار جمعی

موضوع جلوگیری از تولید سلاح‌های کشتار جمعی و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، همواره از موضوعات مهم در مجموعه ملاحظات اتحادیه اروپا بوده است. از مجموع جهت‌گیری‌ها، مواضع و بیانیه‌های اتحادیه اروپا چنین برمی‌آید که این اتحادیه - البته نه به اندازه آمریکا - دارای برخی نگرانی‌ها در خصوص احتمال دستیابی ایران به چنین تسلیحاتی است. در یکی از اسناد منتشره کمیسیون جوامع اروپایی، خطاب به پارلمان و شورای اروپا آمده است که تصمیم ایران برای گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و به ویژه موشک‌های دوربرد، نگرانی عمده‌ای برای اتحادیه اروپاست. در این سند اشاره شده است که اتحادیه اروپا، ایران را تشویق می‌کند تا معاهدات مربوط به پیمان‌های امنیتی را به امضا برساند. ایران مکرراً اعلام داشته است که انعقاد قرارداد در این زمینه‌ها از جمله اشتیاق احتمالی برای تصویب معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای^۱ موکول به رفع قبلی اقدامات محدود کننده صادرات

1. Comprehensive Test Ban Treaty (CTBT)

بین‌المللی به زیان برنامه هسته‌ای غیرنظامی این کشور است. این در حالی است که اتحادیه اروپا چنین پیش شرطی را نمی‌پذیرد.^۱

این مسأله حاکی از اهمیت فعالیت‌های نظامی ایران برای اتحادیه اروپاست. حتی برخی مدارک و شواهد نشان می‌دهد که آمریکا و اتحادیه اروپا درخصوص دست نیافتن ایران به سلاح‌های هسته‌ای با یکدیگر همکاری و تبادل نظر داشته و فراتر از آن به طور مشترک بر روسیه فشار آورده‌اند تا از هر گونه اقدام برای تجهیز ایران به چنین سلاح‌هایی خودداری کند. در سال ۱۹۹۸ ای.اچ.هامیلتون، از اعضای کمیته روابط خارجی در مجلس نمایندگان آمریکا، در نامه‌ای خطاب به رایین کوک، وزیر امور خارجه وقت انگلستان، که کشورش در آن زمان ریاست اتحادیه اروپا را بر عهده داشت، از وی خواست تا درخصوص موضع اتحادیه اروپا در قبال خطر هسته‌ای شدن ایران توضیحاتی ارائه دهد. رایین کوک در پاسخ به این نامه به نکات بسیار مهمی اشاره می‌کند که مؤید نگرانی اروپا از هسته‌ای شدن ایران، همکاری اروپا و آمریکا در خصوص این موضوع و برخی مطالب دیگر است. کوک در نامه خود می‌نویسد که اتحادیه اروپا، با همکاری آمریکا، در اعمال فشار سیاسی بر روسیه برای توقف عرضه فناوری موشک‌های بالستیک به ایران فعال بوده است.

کوک در بخش دیگری از نامه خود با اشاره به برگزاری جلسات مشترک متعدد میان مقامات بلندپایه اتحادیه اروپا و آمریکا در گذشته و آینده، درخصوص مسائل سلاح‌های هسته‌ای می‌نویسد که وی بر تصمیم خود دایر بر استفاده از دوره ریاست انگلیس بر اتحادیه اروپا برای همکاری در زمینه همگرایی بیش‌تر سیاست‌های اتحادیه اروپا و آمریکا در قبال ایران در زمینه نگرانی‌های مشترک واقعی، از جمله تلاش‌های ایران برای کسب سلاح‌های کشتار جمعی و حمایت آن از تروریسم، تأکید داشته است. کوک در پایان یادآور می‌شود

1. "EU Relations with the Islamic Republic of Iran", *op. cit.*, p.8.

که جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح‌های کشتار جمعی، هدف مشترک اتحادیه اروپا و آمریکا است.^۱

در واقع محتوای این نامه که یکی از اسناد قابل توجه در خصوص همکاری اتحادیه اروپا و آمریکا در زمینه دست نیافتن ایران به سلاح‌های کشتار جمعی است، در کنار سایر اسناد نشان می‌دهد که دو طرف در زمینه دست نیافتن ایران به این گونه سلاح‌ها نفع مشترکی دارند.

۲-۲. تروریسم

موضوع تروریسم، از دیگر موضوعات مورد توجه نمایندگان اتحادیه اروپا و ایران در مجموعه گفتگوهای انتقادی و فراگیر بوده است. از نظر اتحادیه اروپا، تروریسم یکی دیگر از پدیده‌های چالش‌زا برای امنیت و ثبات بین‌المللی است. بنابراین هرگونه اقدامی که منجر به تشویق و تقویت این پدیده شود در تعارض با صلح جهانی قرار دارد.

مهم‌ترین چالش اتحادیه اروپا با ایران به حمایت تهران از برخی گروه‌های فلسطینی نظیر حماس و جهاد اسلامی، و نیز ارتباط آن با حزب‌ا... لبنان مربوط می‌شود. اتحادیه اروپا همچون آمریکا معتقد است که هرگونه اقدام گروه‌های فلسطینی که به کشته یا زخمی شدن غیرنظامیان اسرائیلی بینجامد تروریسم تلقی می‌شود. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران ماهیت اقدامات مبارزان فلسطینی را تدافعی - و نه تهاجمی - می‌داند و معتقد است که این اقدامات در چارچوب اصل دفاع از خود و نیز به منظور آزادسازی سرزمین فلسطین از دست اشغالگران انجام می‌پذیرد.

جمهوری اسلامی ایران هرگونه حمایت نظامی و تسلیحاتی از گروه‌های فوق را تکذیب و اعلام کرده است که حمایت تهران از این گروه‌ها صرفاً معنوی است. شایان ذکر

1. "Working Toward a Common US-European Union Position on Proliferation Issues", *The Views of UK Foreign Secretary Robin Cook*, www.fas.org/spp/starwars/congress, 20/2/1998.

است که هنوز اتفاق نظری در خصوص این موضع ایران در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا به وجود نیامده است.

نکته دیگر در گفتگوهای ایران و اتحادیه اروپا به ماهیت تروریستی اقدامات گروه منافقین باز می‌گردد. اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر در مورد پذیرش دیدگاه ایران در خصوص تروریستی بودن این گروه واکنش مثبتی از خود نشان داده است و در این زمینه اختلاف چندانی بین دو طرف وجود ندارد.

باید به خاطر داشت در طول سال‌های گذشته، مبارزه با تروریسم یکی از مهم‌ترین متغیرها و مؤلفه‌های همکاری میان اروپا و آمریکا بوده است. این مسأله بعد از حوادث یازدهم سپتامبر شدت و قوت بیش‌تری یافته است. پیش از این حملات، رومانو پرودی رئیس کمیسیون اروپا و جورج بوش رئیس جمهور آمریکا، مبارزه با تروریسم را به عنوان یکی از پنج موضوع اولویت‌دار برای همکاری میان اتحادیه اروپا و ایالات متحده تعیین کرده بودند؛ پس از حملات یازدهم سپتامبر، این مسأله به مهم‌ترین اولویت تبدیل شده است.^۱

اتحادیه اروپا نیز همانند آمریکا پس از وقوع حملات یاد شده، اقدامات تکمیلی زیادی را برای محدود و مهار کردن گروه‌های تروریستی به عمل آورد که از آن جمله می‌توان به انسداد سریع دارایی‌های شخص یا سازمانی که منبع بالقوه تأمین مالی تروریست‌ها شناخته شده است اشاره کرد.

به هرحال اتحادیه اروپا بعد از یازدهم سپتامبر به مقوله تروریسم توجه ویژه‌ای داشته است. به طور کلی موضوع مبارزه با تروریسم از مهم‌ترین موارد و عوامل مؤثر در افزایش همکاری‌های اروپا و آمریکا بوده است. ساز و کارهای مورد نیاز برای این همکاری از سال‌ها پیش ایجاد شده است. برای مثال دستور کار جدید فرا آتلانتیک^۲ که در سال ۱۹۹۵ به امضا رسید ناظر بر تماس‌های رسمی میان اتحادیه اروپا و آمریکاست. هر دو طرف با

1. "Transatlantic Relations after 11 September", *EU-US news*, Volume IV, No 8, January 2002, p.2.

2. New Transatlantic Agenda (NTA)

استفاده از ساختارهای پیش‌بینی شده در این دستور کار جدید توانسته‌اند به طور مکرر و در تمامی سطوح برای هماهنگی اقدامات ضد تروریستی با یکدیگر دیدار کنند.^۱

۲-۳. حقوق بشر

اروپا همگام با آمریکا معتقد به نامساعد بودن وضعیت حقوق بشر در ایران است. البته این اتحادیه بارها اعلام داشته که در چند سال اخیر پیشرفت‌های مهمی در خصوص حقوق بشر در ایران به وقوع پیوسته است که می‌باید ادامه پیدا کند.

اتحادیه اروپا در مقاطع مختلف، پیشرفت روابط با جمهوری اسلامی ایران را مشروط به بهبود و تقویت دموکراسی و حقوق بشر در این کشور کرده است. این اتحادیه اعلام داشته است که گسترش دموکراسی و احترام بیش‌تر به حقوق بشر، این کشور (ایران) را به شریکی باثبات در منطقه تبدیل خواهد کرد.^۲ مسائلی همچون آزادی مطبوعات، حاکمیت قانون، رعایت حقوق اقلیت‌ها و لغو مجازات اعدام، از مهم‌ترین محورهای گفتگوی مقامات این اتحادیه با تهران در زمینه حقوق بشر بوده است. در واقع این موارد مؤید مواضع آمریکا در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران است.

دیدگاه یکسان اروپا و آمریکا در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران را می‌توان ناشی از اشتراک آن‌ها در ترجیحات هنجاری برخاسته از آموزه‌های سیاسی لیبرالیسم دانست. خاویر سولانا در جریان سفر اخیر خود به تهران، بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران در شکل آزادی بیان بیش‌تر را در کنار سایر موارد، شرط اصلی گسترش روابط اتحادیه اروپا با تهران ذکر کرد.

به دنبال سفر هیأت اتحادیه اروپا به ریاست معاون وزیر امور خارجه دانمارک به تهران، این هیأت پس از بازگشت بیانیه‌ای صادر کرد که در آن بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران، در کنار حمایت این کشور از «موجودیت اجتناب‌ناپذیر اسرائیل»، مبارزه مؤثر با تروریسم و تلاش برای عدم تکثیر تسلیحات کشتار جمعی، از جمله شروط گسترش روابط

1. "Transatlantic Relations after 11 September", *op. cit.*, p.3.

2. "Opinion Committee on Industry, External Trade, Research and Energy", *op. cit.*

با ایران ذکر شده است. این در حالی بود که معاون وزارت خارجه کشورمان بلافاصله هر گونه پیش شرط اتحادیه اروپا برای گسترش روابط با ایران را رد کرد.^۱

۲-۴. مناقشه خاورمیانه

اگر موضع جمهوری اسلامی ایران درخصوص بحران خاورمیانه را همان آرا و مواضع مطرح شده در اصول انقلابی ایران مبنی بر نابودی اسرائیل یا مخالفت با روند سازش میان اعراب و اسرائیل بدانیم، باید اذعان کنیم که میان اتحادیه اروپا و ایران در مورد این بحران اختلاف نظری عمیق و اساسی وجود دارد؛ چرا که اولاً اتحادیه اروپا همیشه بر موضوع تأمین امنیت و موجودیت اسرائیل تأکید داشته و ثانیاً به ثمر رسیدن فرایند صلح را همسو با منافع امنیتی خود دانسته است. در اجلاس وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا در فوریه ۲۰۰۲ این نکته مورد تأکید قرار گرفت که موضوع خاورمیانه در حوزه امنیت اتحادیه اروپا قرار دارد.^۲ به همین دلیل این اتحادیه از حامیان اصلی فرایند صلح خاورمیانه به حساب می‌آید.

اتحادیه اروپا همچنین طرفدار تشکیل یک دولت فلسطینی در کنار دولت اسرائیل و خواستار تضمین امنیت هر دو طرف است. شورای اروپا بر نیاز قاطع به شروع دوباره فرایند صلح (بدون هیچ پیش شرطی) برای ایجاد یک دولت فلسطینی دمکراتیک، پایدار و مستقل و نیز تعهد جامعه بین‌المللی، از جمله کشورهای عربی، برای تضمین فعال امنیت اسرائیل، به عنوان شریکی برابر در این منطقه، تأکید کرده است.^۳ بنابراین، اتحادیه اروپا مخالف هرگونه اقدام و اعمال نظری است که منجر به تضعیف فرایند صلح یا تضعیف امنیت اسرائیل شود.

1. "Iran Rejects EU Preconditions for Expanding Trade Ties", in www.yahoo.com. 12/9/2002.
2. "EU Disagree with U.S. Concept on Axis of Evil", *Beijing Times*, February, 10, 2002.
3. "Transatlantic Relations after 11 September", *op. cit.*, p.3.

نکته مهم آن است که اتحادیه اروپا در برخورد با بحران خاورمیانه نگرش تاریخی را کنار گذاشته و به این موضوع که کدام دولت اشغالگر بوده است نمی‌پردازد بلکه اروپا معتقد به ضرورت برقراری صلح و آرامش در شرایط کنونی است. با توجه به این موارد، مشخص است که نگاه اروپا به بحران فلسطین قرابت زیادی با رویکرد آمریکا در این زمینه دارد؛ چرا که آمریکا نیز مدافع فرایند صلح و تضمین امنیت اسرائیل است.

۲-۵. نقش ایران در منطقه

در حالی که ایالات متحده آمریکا نقش آفرینی فعال ایران در مناطق پیرامونی این کشور نظیر خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز را مغایر با منافع ملی خود می‌بیند و به همین دلیل به طرق مختلف در پی تحدید نقش منطقه‌ای ایران است اتحادیه اروپا به طور مشروط حضور فعال ایران در منطقه را در چارچوب منافع خود تعبیر می‌کند. از نظر اروپا چنانچه روند دموکراسی و احترام به حقوق بشر در ایران بهبود یابد این کشور می‌تواند به شریک با ثبات اتحادیه اروپا در منطقه تبدیل شود.^۱ اروپا معتقد است که نقش آفرینی فعال ایران در منطقه می‌تواند به کاهش پدیده‌های چالش‌زایی نظیر کشت و قاچاق مواد مخدر و مهاجرت بی‌رویه کمک رساند. در واقع ایفای چنین نقشی از سوی ایران کاهش هزینه‌های اروپا را در خصوص مقابله با این چالش‌ها در پی خواهد داشت. ایران همچنین نقش بسیار مهمی در تضمین امنیت انتقال و صدور انرژی به جهان دارد. از این رو اتحادیه اروپا برخلاف آمریکا نه تنها به دنبال منزوی و محدود کردن ایران در این مناطق نیست بلکه خواهان ایفای نقشی مهم و سازنده از سوی ایران در معادلات و محاسبات منطقه‌ای است. از این رو و در چارچوب نوعی دیدگاه حداکثری می‌توان ادعا کرد که در شرایط کنونی منافع اروپا و آمریکا درخصوص نقش ایران در مناطق پیرامونی آن تا حدودی متفاوت است. این در حالی است که مطالب اشاره شده در این گفتار در خصوص

1. "Opinion...", *op. cit.*, p.5.

مسائل سلاح‌های کشتار جمعی، تروریسم و مناقشه خاورمیانه، از اشتراک و همسویی منافع اتحادیه اروپا با آمریکا در این موارد حکایت دارد.

اتحادیه اروپا نظیر آمریکا در دست نیافتن ایران به سلاح‌های کشتار جمعی، حمایت نکردن از آن‌چه خود تروریسم می‌خوانند، و نیز تحقق نیافتن دیدگاه‌های ایران در خصوص مناقشه اعراب و اسرائیل دارای نفع است. به همین دلیل در اسنادی که این اتحادیه منتشر ساخته، از موارد فوق تحت عنوان چالش‌های همکاری ایران و اتحادیه اروپا یاد شده است. به نظر می‌رسد که اتحادیه اروپا تنها در خصوص نقش‌آفرینی فعال ایران در منطقه با آمریکا اختلاف منافع دارد. در این مورد هم رویکرد مثبت اتحادیه اروپا به نقش‌آفرینی منطقه‌ای ایران صرفاً تا زمانی پایدار خواهد بود که جهت‌گیری خارجی تهران بر اصولی چون تنش‌زدایی استوار باشد.

اما با وجود برخی منافع مشترک میان اروپا و آمریکا در قبال ایران، مواضع و دیدگاه‌ها و نیز روش برخورد این دو با ایران دارای برخی اختلافات و افتراقات بنیادی است.

نخست آن که در نگاه اتحادیه اروپا، ایران به آن اندازه که آمریکا ادعا می‌کند، در پی ایجاد ناامنی در جهان نیست. برای مثال اروپا در این خصوص که جمهوری اسلامی ایران به طور قطع درصدد دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی است با آمریکا اختلاف نظر دارد. ایالات متحده معتقد است که ایران فعالانه به دنبال تحصیل این سلاح‌هاست. این در حالی است که اتحادیه اروپا صرفاً دارای برخی نگرانی‌ها در خصوص احتمال دستیابی ایران به این گونه جنگ‌افزارهاست و به همین دلیل در گفتگوهای خود با ایران به این موضوع نیز توجه دارد. در خصوص مسأله تروریسم و مناقشه خاورمیانه نیز اتحادیه اروپا به اندازه آمریکا برای ایران نقش منفی قائل نیست.

جنبه دیگر اختلاف اتحادیه اروپا و آمریکا به شیوه برخورد با ایران باز می‌گردد. اروپا و آمریکا در مورد این موضوع اختلاف نظر عمیقی دارند. در حالی که آمریکا معتقد به روش‌های سلبی و محدودیت‌زا نظیر وضع مجازات‌های اقتصادی به زبان ایران است، اتحادیه اروپا، به ویژه در چند سال اخیر، به شیوه‌های ایجابی اعتقاد داشته است.

مخالفت اتحادیه اروپا با برخوردهای سلبی آمریکا با ایران دو دلیل عمده دارد: نخست این که اروپا معتقد است اعمال قوانین محدودیت‌زا از سوی آمریکا بر ضد کشورهای دیگر، از جمله ایران، به یک جانبه‌گرایی^۱ در نظام بین‌الملل می‌انجامد و دوم آن که این گونه برخوردها منجر به تضعیف گروه‌های میانه‌رو و اصلاح‌طلب در داخل ایران می‌شود.

مخالف با یک‌جانبه‌گرایی همواره مورد تأکید اروپاییان بوده است. در یکی از اسناد منتشر شده از سوی اتحادیه اروپا در مورد رابطه این اتحادیه با آمریکا، در مطلبی تحت عنوان «مجازات‌های مورد اختلاف» تصریح شده است که اگرچه اتحادیه اروپا با بسیاری از اهداف سیاست خارجی آمریکا در خصوص کشورهای نگران‌کننده هم‌منظر است اما این اتحادیه مخالف مجازات‌های تجاری یک‌جانبه با ادعای صلاحیت فرامرزی به کار بسته شده از سوی آمریکاست.^۲ اتحادیه اروپایی احساس می‌کند که کنگره آمریکا از طریق تحمیل مجازات‌های یک‌جانبه و فرامرزی^۳ بدون مشورت، میان ایالات متحده و متحدان آن تقابل ایجاد کرده است.^۴ اروپاییان قویاً با هرگونه یک‌جانبه‌گرایی مخالفند و خاطر نشان می‌کنند که ایالات متحده هیچ تلاش مؤثری برای مذاکره در مورد چنین سیاست‌هایی با متحدان اروپایی خود با هدف حصول اتفاق نظر در این زمینه انجام نداده است.^۵

از سوی دیگر، اتحادیه اروپا معتقد است که اتخاذ روش‌های سلبی در برخورد با ایران - به شکلی که در دستور کار آمریکا قرار دارد - منجر به تقویت رویکردهای تندروانه در ایوان می‌شود و از این طریق به تضعیف نگرش‌های اصلاح‌طلبانه در این کشور کمک می‌کند. رابین کوک در نامه خود که پیش‌تر به آن اشاره شد تصریح کرده است که اتحادیه اروپا به انزوای اقتصادی و سیاسی ایران اعتقاد ندارد و با قوانین فرامرزی نظیر قانون

1. unilateralism

2. "EU Relations with the United States", www.eurunion.org, p.5.

3. unilateral and extraterritorial sanctions

4. "America and Europe: A Time for Unity, A Time for Vision", www.csis.org, p.17.

5. *Ibid.*, p. 17.

مجازات‌های ایران و لیبی (ایلسا)^۱ که شرکت‌های اروپایی درگیر در فعالیت‌های بازرگانی مشروع در ایران را مجازات می‌کند مخالف است.^۲

همان‌طور که گفته شد بخشی از این مخالفت به دلیل اعتقاد اروپا به تضعیف رویکردهای اصلاح‌طلبانه و تقویت نگرش‌های افراطی و رادیکال در ایران در نتیجه چنین اقداماتی است. بسیاری از اروپاییان احساس می‌کنند که سیاست آمریکایی «مهار دو جانبه»^۳، تهدید مطرح شده از سوی ایران را تقویت کرده است. آنان همچنین معتقدند که مهار دو جانبه، سیاستی غیرسازنده بوده است. به نظر آنان این سیاست در نهایت، افراط‌گرایان ایران را تقویت کرده و تلاش‌های آمریکا برای انزوای ایران سرانجام به انزوای طبقه متوسط، افراد میانه‌رو و عملگرایان در ایران انجامیده است.^۴

در مقابل، بسیاری از آمریکاییان با انتقاد از سیاست اروپا در قبال ایران پیگیری روش‌های ایجابی را موجب افزایش تهدید مطرح شده از سوی ایران دانسته‌اند. آنان معتقدند تنها مجازات‌های سخت، مهار دو جانبه، اعمال محدودیت‌های شدید بر فروش تسلیحات و صادرات فناوری‌هایی با کاربرد دوگانه^۵ و حضور نظامی قدرتمندان غرب در خلیج فارس تهدید ایران برای این منطقه را محدود خواهد کرد و در نهایت این کشور را به اصلاح و تغییر مجبور خواهد ساخت.^۶ در واقع نگرش اتحادیه اروپا در این مورد که سیاست گفتگو با ایران نتایج مثبت‌تری نسبت به تحریم این کشور دارد کاملاً در مقابل نگرش آمریکا قرار دارد.

از این رو همان‌طور که اشاره شد اختلاف آمریکا و اروپا در خصوص ایران بیش‌تر حول شیوه برخورد با این کشور دور می‌زند. طبیعی است که این امر به معنای آن نیست که میان اروپا و آمریکا در مورد ایران هیچ اشتراک نظری وجود ندارد. برعکس، آن‌ها در

1. Iran Libya Sanctions Act (ILSA)

2. "Working Toward a Common U.S – European Union Position on Proliferation Issues", *op. cit.*

3. dual containment

4. "America and Europe: A Time for Unity, A Time for Vision", *op. cit.*, p.17.

5. "dual _ use" technologies

6. *Ibid.*, p.17.

خصوص برخی موضوعات بسیار مهم دیدگاه مشابهی در قبال تهران دارند. در این باره، همان طور که پیش از این بحث شد می توان به موضع مشترک اروپا و آمریکا در خصوص مسأله حقوق بشر در ایران اشاره کرد.

گفتار سوم - بررسی مواضع و دیدگاه های اتحادیه اروپا در خصوص مقوله محور شرارت (با تأکید بر ایران)

شناخت دیدگاه ها و مواضع اتحادیه اروپا در قبال ادعای بوش مبنی بر محور شرارت^۱ بودن ایران، عراق و کره شمالی یک شرط ضروری برای فهم و پیش بینی رفتار احتمالی این اتحادیه در صورت عملی شدن تهدیدات آمریکاست. طبعاً مخالفت یا موافقت اتحادیه اروپا یا هر بازیگر دیگری با این سخنرانی نتایج رفتاری کاملاً متفاوتی را از سوی آن به دنبال خواهد داشت. از این رو در این گفتار تلاش خواهد شد تا مواضع و دیدگاه های اتحادیه اروپا و برخی کشورهای مهم عضو آن در خصوص این مقوله با تأکید بر ایران بررسی شود. یکی از مهم ترین مواضع اتحادیه اروپا در خصوص مقوله محور شرارت، مواضعی است که در اجلاس وزرای امور خارجه این اتحادیه در هشتم فوریه ۲۰۰۲ در شهر کاسرس اسپانیا اعلام شد. در روز دوم اجلاس، اتحادیه اروپا بر عدم موافقت خود با دیدگاه جرج بوش در مورد محور شرارت تأکید کرد. وزرای خارجه اتحادیه اروپا در این اجلاس تأکید کردند که در مواجهه با چالش های سیاسی بین المللی، این بلوک پانزده کشوری (اتحادیه اروپا) حتی اگر خود را درگیر مبارزه ضد تروریستی جهانی کرده باشد از اصول، ارزش ها و منافع خود دفاع می کند. در مورد ایران، وزرای حاضر در این اجلاس اعلام کردند که به مذاکره برای عقد موافقتنامه همکاری اقتصادی با حکومت ایران ادامه خواهند داد.^۲

در این اجلاس خاویر سولانا، نماینده عالی سیاست خارجی اروپا، به کسانی پیوست که به ایالات متحده در مورد دچار شدن به خطرات یک جانبه گرایشی هشدار می دهند.^۳

1. axis of evil

2. "EU Disagrees with U.S. Concept on Axis of Evil", *op. cit.*

3. Peter Schwarz, "European Foreign Ministers Attach Bush's Policy", www.wsws.org, 15/1/2002.

همچنین کریس پتن، کمیسیونر مسائل خارجی اتحادیه اروپا، در خصوص ایران گفت: «سیاست اروپایی گفتگوی سازنده^۱ با ایران احتمالاً نتیجه بخش‌تر از یک رهیافت آمریکایی است که بیش‌تر لفاظی است تا واقعیت». وی همچنین تصریح کرد که سیاست آمریکا، تلاش‌های اتحادیه اروپا در خصوص ایران و کره شمالی را تضعیف می‌کند.^۲ کریس پتن در پایان گفت: «هنوز امیدوار است که آمریکا به سمت یک جانبه‌گرایی حرکت نکند».^۳

مقامات کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز در فرصت‌های مختلف به ابراز مخالفت خود با مواضع بوش پرداختند. در ۵ فوریه ۲۰۰۲ جوزف پیکه، وزیر امور خارجه اسپانیا، نخستین سیاستمدار بلندپایه اروپایی بود که تصریح کرد اتحادیه اروپا علی‌رغم اتهامات آمریکا بر ضد ایران به مذاکراتش با تهران ادامه خواهد داد.^۴

مقامات فرانسه نیز با انتقاد از مشورت نکردن آمریکا با متحدان اروپایی خود، به مخالفت با مواضع بوش پرداختند.^۵ اوبر ودرین، وزیر امور خارجه فرانسه، اعلام کرد که این موضوع (محور شرارت) مفهومی کوتاه‌فکرانه است که ما نمی‌توانیم آن را بپذیریم. ودرین همچنین اظهار داشت که آمریکاییان، بدون آن که با کس دیگری مشورت کنند بر اساس یک جانبه‌گرایی عمل می‌کنند و تصمیمات آنان را منحصرأ دیدگاه‌ها و منافع شخصی‌شان هدایت می‌کند.^۶ هم او در اوایل مارس گذشته آشکارا اعلام کرد که تفاوت‌های اتحادیه اروپا و آمریکا بسیار عمیق‌تر از آن است که نادیده گرفته شود.^۷

یوشکا فیشر، وزیر امور خارجه آلمان هم واشنگتن را به خاطر تلاش برای تحمیل نظراتش به متحدان خود مورد انتقاد قرار داد. فیشر به واشنگتن هشدار داد که متحدان

1. constructive dialogue

2. "EU's Patten Criticizes US Foreign Policy", News, www.bbc.co.uk, 9 February, 2002.

3. "EU Official Criticizes Axis of Evil Speech", News, www.theolympian.com.

4. Schwarz, *op. cit.*

5. Andrew F. Tully, "U.S: Europeans React Negatively to Axis of Evil", www.rferl.org, 11 February 2002.

6. Schwarz, *op. cit.*

7. "EU: Opposition to Bush's Axis of Evil", www.echoiran.com/bulletin/157.

اروپایی را ملتزمان و پیروان خود در جنگ با ترور نداند و تأکید کرد که دولت‌های اروپایی اندیشه حمله نظامی یک جانبه آمریکا را رد می‌کنند.^۱

در خصوص ایران، ولمر - معاون وزیر دفاع آلمان - از واشنگتن خواست تا از تروریسم همچون بهانه‌ای برای اقدام بر ضد تهران استفاده نکند. وی در مورد عراق نیز اعلام کرد هیچ مدرکی وجود ندارد که بغداد را به طور مستقیم با اقدامات تروریستی اخیر مرتبط کند. وزیر دفاع آلمان هم اعلام داشت که ترجیح می‌دهد با بغداد به صورت دیپلماتیک - و نه نظامی - برخورد کند.^۲ معاون وی با اشاره به جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس، بوش را متهم کرد که از مبارزه با تروریسم به عنوان بهانه‌ای برای «تصفیه حساب‌های قدیمی» با عراق استفاده می‌کند.^۳

نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد این است که حتی تونی بلر، نخست وزیر بریتانیا و قوی‌ترین حامی خارجی ایالات متحده و متحد کنونی آمریکا برای حمله به عراق نیز در ابتدا هماهنگ با سایر مقامات اروپایی اظهار داشت واشنگتن نباید اقدام نظامی بر ضد عراق انجام دهد، مگر آن که بتواند مدرک قانع‌کننده‌ای ارائه دهد که نشان دهد بغداد آشکارا در حملات یازدهم سپتامبر به نیویورک و واشنگتن دخالت داشته است.^۴ جک استراو، وزیر امور خارجه این کشور، نیز پس از اظهارات بوش اعلام کرد که لندن گفتگوهایش را با تهران ادامه خواهد داد. شایان ذکر است که پس از سخنرانی بوش، دولت انگلیس از سوی برخی از اعضای پارلمان این کشور برای پیروی نکردن از موضع آمریکا در قبال ایران تحت فشار قرار گرفت. در جریان یک بحث پارلمانی در مورد روابط انگلستان و آمریکا، دونالد آندرسون، رئیس کمیته امور خارجی مجلس انگلستان، از دولت خواست آشکارا اعلام کند که انگلستان به پیگیری مسیری متفاوت با مسیر مطلق‌گرایانه‌ای که دولت آمریکا اختیار کرده است ادامه خواهد داد. وی با اعلام این مطلب که موضوع ایران موضوعی

1. *Ibid.*

2. Tully, *op. cit.*

3. Schwarz, *op. cit.*

4. Tully, *op. cit.*

متفاوت با موضوع کشورهای نظیر عراق است اظهار داشت که از نظر ما به دشواری می‌توان گفت که ایرانیان رژیم شیطانی دارند.^۱

در مجموع، اظهارات مقامات مختلف اتحادیه اروپا و نیز سیاستمداران کشورهای عضو این اتحادیه، نشان‌دهنده مخالفت این تشکل اروپایی با مواضع آمریکا مبنی بر محور شرارت بودن ایران، عراق و کره شمالی است.

به طور کلی مواضع اتحادیه اروپا در خصوص نظریه محور شرارت را می‌توان بدین شرح تشریح کرد:

۱. پیگیری نظریه محور شرارت، خطر یک جانبه‌گرایی آمریکا را به شدت افزایش می‌دهد؛

۲. این نظریه، مطلق‌گرایانه و ساده‌انگارانه است و با واقعیت همخوانی ندارد؛

۳. هیچ مدرکی دال بر مشارکت ایران، عراق و کره شمالی در حوادث یازدهم سپتامبر وجود ندارد؛

۴. سیاست گفتگو با این کشورها نتیجه بخش‌تر از سیاست‌های نظامی‌گرایانه است. در مورد ایران نیز اتحادیه اروپا تصریح می‌کند که به مذاکرات، همکاری‌ها و روابط خود با ایران ادامه خواهد داد.

با توجه به این موارد، بسیاری از تحلیلگران مسائل بین‌المللی اعتقاد دارند که نظریه محور شرارت، یکی دیگر از مایه‌های اختلاف اتحادیه اروپا و آمریکا در طول چند ماهه اخیر بوده است. در واقع این تحلیلگران، موضوع فوق را در کنار مسائل مهم و مبرم دیگری نظیر پیمان کیوتو، تجارت فولاد و مسأله عضویت در دیوان کیفری بین‌المللی، جزو مهم‌ترین موضوعات اختلاف‌زا و چالش‌برانگیز در روابط اتحادیه اروپا و آمریکا معرفی می‌کنند.

1. "UK Pressed to Clarify Differences with US Policy towards Iran", www.payvants.com, 26/4/2002.

گفتار چهارم - نگاهی موردی به رفتار اتحادیه اروپا در قبال اقدامات نظامی گرایانه آمریکا

آگاهی از رفتار اتحادیه اروپا در قبال برخی اقدامات نظامی گرایانه گذشته آمریکا می‌تواند تا حدودی روشن سازد که آیا این اتحادیه قادر و مایل به ایفای نقشی بازدارنده در قبال تهدیدات نظامی آمریکا بر ضد ایران هست یا نه.

۱. کوزوو

بحران کوزوو یکی از مواردی است که در نهایت، دخالت نظامی پیمان ناتو به رهبری مسلط آمریکا را در پی داشت. هر چند اتحادیه اروپا و آمریکا منافع مشترکی در تضعیف دولت میلوسویچ و خاتمه بحران کوزوو داشتند اما شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد تعدادی از اعضای اتحادیه اروپا درخصوص روش برخورد با این بحران و نیز موضوع رهبری بلامنازع آمریکا در آن، با واشنگتن اختلاف نظر داشته‌اند. برای مثال، درست چند ماه پیش از حمله نظامی ناتو به صربستان، مقامات فرانسه، اتریش، جمهوری ایرلند، یونان، ایتالیا و اسپانیا در اجلاس وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا در لوکزامبورگ به مخالفت با حمله نظامی ناتو پرداختند. در درون اتحادیه اروپا دیدگاهی وجود داشت که بر موضوع اروپایی بودن بحران کوزوو تأکید می‌کرد و خواستار حل و فصل آن به دست خود اروپاییان بود. بر این اساس، حل و فصل بحران کوزوو در چارچوب مسئولیت اروپا - و نه آمریکا - قرار داشت.

این دیدگاه همچنین تأکید می‌کرد که مداخله نظامی ناتو به رهبری بلامنازع آمریکا، به دخالت هر چه پیش‌تر واشنگتن در امور امنیتی این قاره منجر خواهد شد و این مسأله به وابستگی اروپا به آمریکا خواهد انجامید. تحت تأثیر همین نگرش بود که کشورهای نظیر فرانسه از موضوع «هویت امنیتی و دفاعی اروپایی»^۱ دفاع کردند. این طرح، در واقع تعریف یک جهت‌گیری دفاعی و امنیتی مستقل برای اروپا، جدا از تجویزات و دخالت‌های

آمریکا بود. انگلستان و آمریکا طرح فوق را اقدامی برای تضعیف ناتو می‌دانستند اما کشورهای موافق، آن را متناسب با واقعیات و الزامات امنیتی فراروی اروپا تلقی می‌کردند. در درون اتحادیه اروپا این نگرانی عمده وجود داشت که دخالت وسیع آمریکا در قضیه بالکان به محدود شدن استقلال عمل اروپا در امور امنیتی و وابستگی آن به آمریکا منجر خواهد شد؛ موضوعی که ظاهراً پس از بحران کوزوو تحقق یافت. زیگنیو برزینسکی، مشاور امنیت ملی سابق آمریکا، معتقد است بحران کوزوو نشان داد که اروپا هنوز کاملاً تحت‌الحمایه آمریکاست.^۱

به هر حال با همه این نگرانی‌ها، اروپاییان در قبال نقش مسلط آمریکا در حمله نظامی ناتو به یوگسلاوی، صرفاً یک نظاره‌گر بودند و تلاش چشمگیری برای رفع نگرانی‌های اساسی خود در این زمینه به عمل نیاوردند. جنگ کوزوو نه تنها استیلای آمریکا و ناتو و ظرفیت آن‌ها برای اقدام (نظامی) را به تصویر کشید، بلکه ناکارآمدی‌های نهادی و نظامی اتحادیه اروپا و اعضای آن را نیز بر ملا کرد. در جنگ کوزوو ۹۰ درصد از منابع فرماندهی، کنترل، ارتباطات و اطلاعات، ۸۰ درصد از هواپیماها و حتی بیش‌تر مهمات را ایالات متحده تأمین کرد.^۲ در کوزوو، نظیر بوسنی، ضعف شدید قابلیت‌های دفاعی طرف اروپایی آشکار شد.^۳ از زمانی که دولت کلینتون در کنفرانس دیتون^۴ در سال ۱۹۹۵ بار دیگر ایالات متحده را وارد مسائل بالکان کرد اروپاییان دریافتند که بدون آمریکا از (حل و فصل) امور بالکان، به عنوان حیاط خلوت خود، عاجز هستند.^۵

در مجموع، ضعف‌های موجود در قابلیت‌های دفاعی و نظامی اروپا سبب شد تا با وجود اروپایی بودن موضوع کوزوو، اختیار و ابتکار عمل در جریان این بحران به آمریکا

1. "Europe Is Still an American Protectorate", *Eastern Europe Project*, November, 1999.
2. Simon Serfy, "European Common Foreign, Security and Defense Policies: Implications for United States and Atlantic Alliance", www.csis.org, November, 1999.
3. "Strategic Partnership Issues after Kosovo", www.csis.org, 22 October 1999.
4. Dayton Conference
5. Elizabeth Pond, "Kosovo: Catalyst for Europe", *Washington Quarterly*, Autumn 1999, p.81.

واگذار شود و اتحادیه اروپا نتواند در برابر نقش مستولی آمریکا در این بحران ایجاد چالش کند.

۲. افغانستان

در مورد افغانستان نیز با وجود برخی مواضع و اظهارنظرهای مقامات اتحادیه اروپایی و پاره‌ای نگرانی‌ها درخصوص تشدید روند یک جانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل، در نهایت شاهد همراهی این اتحادیه با اقدامات نظامی آمریکا بودیم. در بیانیه‌ای که ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا در نهم اکتبر ۲۰۰۱ منتشر کرد اعلام شد: «اتحادیه اروپا براساس قطعنامه ۱۳۶۸ شورای امنیت، ضربه متقابل آمریکا (به افغانستان) را مشروع می‌داند». براساس این بیانیه، ریاست اتحادیه اروپا مطابق با نتایج مذاکرات شورای اروپا در ۲۱ سپتامبر مجدداً همبستگی کامل خود را با ایالات متحده و نیز با انگلستان و تمامی کشورهای درگیر در اقدامات نظامی (بر ضد افغانستان) اعلام کرد.^۱

اتحادیه اروپا علاوه بر تخصیص کمک‌های بشردوستانه (۳۱۰ میلیون یورو تا ژانویه ۲۰۰۲) در بُعد دیپلماتیک راه حمله آمریکا به افغانستان را هموار کرد. این اتحادیه در تلاش‌های دیپلماتیک که اقدامی قاطع برای ایجاد و حفظ یک ائتلاف بین‌المللی گسترده به حساب می‌آمد مشارکت جست.

در روزهای پس از یازده سپتامبر کریس پتن، کمیسیونر روابط خارجی اتحادیه اروپا همراه با لویی میشل، وزیر امور خارجه بلژیک و خاویر سولانا نماینده عالی در سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا به پاکستان، ایران، مصر، عربستان سعودی و سوریه سفر کردند. آنان موضوع نیاز به تقویت همکاری در سراسر منطقه را به عنوان بخشی از مبارزه با تروریسم مورد مذاکره قرار دادند.^۲

1. "Military Operations in Afghanistan – declaration", by the EU Presidency, www.jpn.cec.eu.int, 7 October 2001.

2. Transatlantic Relations after 11 September, *op. cit.*, p.3.

از آن گذشته پس از فروپاشی طالبان برخی از اعضای اتحادیه اروپا در کنار آمریکا به صف آرای نیروهای نظامی خود در افغانستان و نیز برخی جمهوری‌های آسیای مرکزی پرداختند که نمونه آن حضور نیروها و امکانات نظامی فرانسه در پایگاه ماناس قرقیزستان است.

۳. عراق

بحران جاری عراق از دیگر شواهد و شاخص‌های بسیار مهمی است که می‌تواند بیانگر نوع رفتار اتحادیه اروپا در قبال جهت‌گیری‌های نظامی گرایانه آمریکا باشد. از زمانی که موضوع حمله نظامی آمریکا به عراق بسیار جدی شد کشورهای اتحادیه اروپا جز انگلستان، بارها نگرانی و مخالفت خود را با اقدام نظامی یک‌جانبه بر ضد عراق اعلام داشته‌اند. از آن گذشته رومانو پرودی رئیس کمیسیون اروپایی در اواسط مارس به بریتانیا و ایالات متحده آمریکا هشدار داد که ممکن است اتحادیه اروپا با حمله نظامی تحت رهبری آمریکا به عراق مخالفت کند. پرودی اعلام کرد که جورج بوش، رئیس جمهوری آمریکا، هنوز باید اروپاییان را در خصوص اقدام تازه بر ضد صدام حسین متقاعد سازد. وی تصریح کرد که شبهات عمیقی در خصوص چشم‌انداز مداخله نظامی بر ضد صدام وجود دارد.^۱ این در حالی بود که تلاش نخست‌وزیر انگلستان برای جلب رضایت رهبران اتحادیه اروپا برای حمله به عراق در جریان اجلاس این اتحادیه در ماه مارس در بارسلونای اسپانیا با شکست مواجه شد.^۲

بلر در این اجلاس نتوانست پاسخ مثبتی از همتایان اروپایی خود دریافت کند. سران این کشورها بارها مخالفت خود را با حمله یک‌جانبه به عراق اعلام داشته‌اند. سخنگوی حکومت آلمان پیش‌تر اعلام کرده بود که شرودر (صدر اعظم آلمان) معتقد است گسترش هرگونه عملیاتی بر ضد «دولت‌های یاغی»^۳ نیازمند مصوبه سازمان ملل است تا آلمان در آن

1. "EU May Oppose Action against Iraq", www.intellnet.org, 16 March 2002.

2. "Britain Fails to Persuade EU to Back War on Iraq", www.converge.org.nz, 16 March, 2002.

3. rogue states

شرکت داشته باشد. وی همچنین اعلام کرد که قطعنامه‌های موجود سازمان ملل (امکان) حمله به عراق را تأمین نمی‌کنند.^۱ فرانسه نیز چندی پیش بار دیگر مخالفت خود را با حمله به عراق را مورد تأکید قرار داد.

بنابراین مشخص است که اتحادیه اروپا به دلایلی، نظیر خطرات ناشی از یک‌جانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل، احتمال انحراف روند مبارزه با تروریسم و تأیید نشدن حمله به عراق از سوی سازمان ملل، مخالف اقدام نظامی بر ضد عراق بود؛ اما در عمل واکنش روز به روز بر حجم تحرکات و تدارکات نظامی خود در مناطق پیرامونی عراق ادامه داد و از طریق صف‌آرایی نیروهای خود در این مناطق بر ظرفیت‌های خود برای عملی کردن این حمله افزود. این اقدامات آمریکا کاملاً در شرایط بی‌اعتنایی به متحدان اروپایی خود و نیز نظرات و آرای سازمان ملل صورت پذیرفت. با این حال مشاهده می‌شود که اتحادیه اروپا هیچ تلاش مؤثری برای تحقق نیافتن این حمله صورت نداد و کماکان مخالفت خود را صرفاً در بُعد اظهارات و مواضع انتقادآمیز ابراز داشت. طبیعتاً این نوع مخالفت اتحادیه اروپا مانع عمده‌ای برای برخورد نظامی آمریکا با عراق فراهم نکرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از مجموعه مطالبی که در این نوشتار ارائه شد مشخص می‌شود که فضای حاکم بر روابط ایران و اتحادیه اروپا، برای گفتگو و تبادل نظر درباره موضوعات مورد علاقه یا مورد اختلاف مساعد بوده است. هر دو طرف تمایل و اراده خود را برای بسط روابط با یکدیگر ابراز داشته‌اند و این مسأله چشم‌انداز به نسبت مساعدی را برای آینده روابط آن‌ها ترسیم می‌کند. در عین حال پیشرفت روابط دو طرف به نحوی که به برقراری تعاملی نزدیک و همه‌جانبه میان آن‌ها بینجامد مستلزم تفاهم طرفین در خصوص برخی اختلافات و سوء تفاهم‌های سیاسی و اقتصادی است که نقشی چالش‌زا در کلیت روابطشان دارد.

1. "Britain Fails to Persuade EU to Back War on Iraq", *op. cit.*

نکته دیگر، به موضع‌گیری اتحادیه اروپا در قبال اعتقاد دولتمردان آمریکایی به شرور بودن دولت ایران باز می‌گردد. فحوا و محتوای نظرات ابراز شده مقامات این اتحادیه، مؤید مخالفت عمیق آنان با این موضع آمریکا بوده است. این مسأله یکی دیگر از نشانه‌های اختلاف دیدگاه و روش اتحادیه اروپا با آمریکا در خصوص ایران است که در گفتار سوم مورد بررسی قرار گرفت. البته مجموعه مباحث مربوط به این گفتار مؤید تقارن و همسویی منافع کلی و کلان آن‌ها در قبال ایران است.

با عنایت به مجموعه این مباحث و نیز مباحثی که در گفتار چهارم ارائه شد می‌توان نتیجه گرفت که در صورت عملی شدن تهدیدات آمریکا بر ضد ایران، مخالفت اتحادیه اروپا با این اقدام صرفاً محدود به مخالفت‌های شفاهی خواهد بود. به عبارت دیگر نمی‌توان انتظار داشت که اتحادیه اروپا در شرایط عملی شدن تهدیدات آمریکا بر ضد ایران در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی به رویارویی با ایالات متحده پردازد.

این استنتاج مبتنی بر ملاحظات زیر است:

الف) در سطح نظامی، احتمال رویارویی اتحادیه اروپا با آمریکا به طور کامل منتفی است؛ چرا که:

۱. اتحادیه اروپا نهادی ماهیتاً اقتصادی و سیاسی - و نه نظامی - است و با وجود برخی تلاش‌ها برای تعریف یک هویت دفاعی، این اتحادیه کار ویژه نظامی ندارد. از این رو نمی‌توان در برابر بازیگران دیگر نقش یک بازدارنده نظامی برای آن قائل بود.
۲. مواجهه اتحادیه اروپا با مسائل و موضوعات امنیتی، بیش‌تر در حوزه مسائل مربوط به بُعد نرم‌افزاری امنیت بوده است تا حوزه سخت‌افزاری آن.
۳. مخالفت افکار عمومی کشورهای عضو اتحادیه اروپا با نظامی‌گری، تعیین سیاست‌های اتحادیه اروپا از سوی کسانی که اعتقادی به رفتارها و جهت‌گیری‌های نظامی ندارند و نیز عدم اتفاق نظر اعضای اتحادیه در خصوص مختصات کار ویژه امنیتی - دفاعی، مانع از اتخاذ رفتارهای نظامی‌گرایانه توسط آن می‌شود.

۴. فاصله زیاد بودجه و هزینه‌های دفاعی آمریکا با اتحادیه اروپا به این اتحادیه اجازه رویارویی نظامی با واشنگتن نمی‌دهد.

۵. مهم‌تر از همه آن که پیوندهای بسیار نزدیک اروپا و آمریکا، برخورداری آن‌ها از یک نظام ارزشی مشترک در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و نیز وابستگی شدید سرنوشت طرفین به یکدیگر، احتمال هرگونه رویارویی نظامی میان آن‌ها را غیرممکن کرده است.

ب) در سطوح سیاسی و اقتصادی نیز انتظار ایفای نقشی بازدارنده از سوی اتحادیه اروپا به نحوی که موجب توقف عملیات نظامی آمریکا بر ضد ایران شود چندان بجا نیست؛ زیرا:
 ۱. ایفای نقش بازدارنده از سوی اتحادیه اروپا به نفع ایران مستلزم وجود نوعی روابط راهبردی و اتحادگونه میان این اتحادیه و ایران است، در حالی که چنین روابطی میان طرفین وجود ندارد.

۲. آنچه موجب ایفای نقش بازدارنده از سوی یک بازیگر در مقابل بازیگر دیگر به نفع یک کشور ثالث می‌شود، اختلاف و تزاخم منافع آن دو در قبال بازیگر سوم است، در حالی که در گفتار سوم مشخص شد منافع کلان اروپا و آمریکا در قبال ایران عمدتاً مشترک است و اختلاف آن‌ها صرفاً در خصوص نوع مواضع و روش برخورد با این کشور است. طبیعتاً صرف دیدگاه‌ها و مواضع متفاوت منجر به رویارویی دو بازیگر نمی‌شود. از این رو نمی‌توان انتظار داشت که اتحادیه اروپا در سطوح سیاسی و اقتصادی به گونه‌ای بر آمریکا فشار آورد که به توقف اقدامات نظامی این کشور بر ضد ایران منجر شود.

۳. در بُعد اقتصادی هم حجم عمده مبادلات تجاری میان اتحادیه اروپا و آمریکا سبب می‌شود که این اتحادیه در رابطه با آمریکا سیاست همکاری - و نه رویارویی - را در پیش گیرد.

۴. در سطح سیاسی، استفاده اتحادیه اروپا از نفوذ خود در مجامع و نهادهای بین‌المللی برای اعمال فشار به ایالات متحده به دلیل بی‌اعتنایی آمریکا به مواضع و نظرات این‌گونه

نهادها در هنگام پیگیری اموری که آنها را مرتبط با منافع ملی و امنیتی خود می‌داند نتیجه لازم را در بر نخواهد داشت.

۵. رابطه معناداری بین مخالفت اتحادیه اروپا با نظریه محور شرارت و اقدام عملی این اتحادیه در رویارویی فعال با آمریکا وجود ندارد.

۶. نبود اتفاق نظر میان اتحادیه اروپا در برخی مقاطع بحرانی برای اتخاذ یک رفتار و سیاست واحد، از دیگر دلایلی است که احتمال بروز رفتار بازدارنده از سوی این اتحادیه را کاهش می‌دهد. در مقاطع بحرانی، وجود دیدگاه‌ها و مواضع بعضاً مختلف در میان اعضای اتحادیه اروپا امکان برخورد اتحادیه به عنوان یک کل را از بین می‌برد. این مسأله به وضوح در جریان بحران کوزوو به چشم می‌خورد. در شرایط کنونی هم که بریتانیا جدا از جهت‌گیری سایر اعضای اتحادیه اروپا سیاست همراهی کامل با ایالات متحده را در خصوص مسائل اخیر در پیش گرفته، انتظار نمی‌رود که این اتحادیه بتواند به طور مؤثر، هماهنگ و همه‌جانبه از اعمال سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا که همواره موجب نگرانی اروپایی‌ها بوده است جلوگیری کند.

با توجه به مجموعه مطالب فوق به نظر می‌رسد که در شرایط عملی شدن تهدید آمریکا بر ضد ایران نمی‌توان به ایفای نقش بازدارنده از سوی اتحادیه اروپا به نفع ایران امیدوار بود. البته این امر به معنای نفی ضرورت پیشبرد روابط با اتحادیه اروپا از سوی ایران نیست. در واقع تا زمانی که نهادهای سیاستگذاری در آمریکا سرگرم تجزیه و تحلیل داده‌ها، اطلاعات و ملاحظات مربوط به عملی کردن تهدیدات خود بر ضد ایران و نیز بررسی سود و زیان ناشی از این اقدام هستند احتمال توجه به دیدگاه‌های متحدان اروپایی از سوی آنها بسیار بیش‌تر از زمان به اجرا درآمدن این تهدیدات خواهد بود؛ چرا که این تهدیدات زمانی عملی خواهد شد که مجموعه بررسی‌ها و تجزیه و تحلیل‌ها در درون هیأت حاکمه آمریکا مؤید ضرورت انجام اقدامات قهری بر ضد ایران باشد. طبیعتاً در این شرایط احتمال تأثیرگذاری بازیگران بیرونی بر نهادهای تصمیم‌گیرنده آمریکا به کم‌ترین حد خود خواهد رسید.

از این رو در شرایط حساس کنونی که هنوز فرصت تأثیرگذاری اتحادیه اروپا بر آمریکاییان وجود دارد و با عنایت به این که این اتحادیه در برخورد با ایران به روش‌های ایجابی - و نه قهری - اعتقاد دارد و طبعاً نظرات خود در این زمینه را به طرف آمریکایی منتقل خواهد کرد پیشنهادها و توصیه‌های ذیل تجویز می‌شود:

۱. در شرایط تهدیدزای کنونی، باید سیاست تنش‌زدایی با کشورهای اتحادیه اروپا بیش از هر زمان دیگری مورد توجه سیاست‌گذاران خارجی کشور قرار گیرد.

۲. در عین توجه به منافع ملی، اتخاذ اقدامات اعتمادساز در کلیه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی در روابط با اتحادیه اروپا ضرورت دیگری است که فراروی دستگاه سیاست خارجی کشور قرار دارد.

۳. با توجه به آن که مهم‌ترین چالش‌های همکاری ایران و اتحادیه اروپا وجه سیاسی دارد و از آن‌جا که زمینه همکاری و پیشبرد روابط دو طرف در بخش اقتصادی با موانع و سوء تفاهم‌های کم‌تری مواجه است و نیز از آن‌جا که ملاحظات اقتصادی انگیزه و محرک بسیار مهمی در نزدیکی اتحادیه اروپا به ایران به حساب می‌آید تلاش در جهت اولویت بخشیدن به مسائل اقتصادی نسبت به مسائل سیاسی در مجموعه روابط با این اتحادیه اهمیت و ضرورت بسیار بالایی دارد.

۴. باید به مسائل و موضوعاتی که در چارچوب علائق و نگرانی‌های مشترک دو طرف قرار دارد (نظیر مبارزه با مواد مخدر)، توجه بیشتری شود.

۵. درخصوص موضوعات سیاسی مورد اختلاف، شرایط حساس کنونی اقتضا دارد که از هرگونه اقدام یا عملی که به عمیق‌تر شدن این گونه اختلافات بینجامد پرهیز کرد. در عین حال می‌توان ضمن حفظ منافع و مواضع خود درخصوص این موضوعات، رفتاری اتخاذ کرد که شائبه مخرب بودن نقش ایران را در نزد طرف اروپایی کاهش دهد. برای مثال درخصوص مناقشه خاورمیانه اتخاذ این موضع که «جمهوری اسلامی ایران از هر اقدام و ابتکاری که به کاهش خشونت در منطقه بینجامد حمایت می‌کند» به زوده شدن سوء تفاهم‌های دو طرف درخصوص این مناقشه یاری خواهد رساند.

۶. علاوه بر تلاش برای گسترش روابط با اتحادیه اروپا، به عنوان یک نهاد فرادولتی، توسعه روابط دوجانبه با تک تک کشورهای عضو این اتحادیه، به ویژه گسترش روابط با دولت‌های برجسته عضو آن نظیر فرانسه و آلمان، اهمیت و حساسیت زیادی دارد.
 ۷. فراهم کردن زمینه‌های مساعد و مناسب برای سرمایه‌گذاری طرف اروپایی، گستره علائق این اتحادیه در ایران را وسعت خواهد بخشید. در یک رابطه مستقیم، هر اندازه حجم سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا در ایران بیش‌تر باشد علاقه آن برای حفظ و تداوم امنیت و جلوگیری از بروز ناامنی و بی‌ثباتی در این کشور که به واسطه اقدامات قهرآمیز آمریکا تشدید خواهد شد بیش‌تر خواهد بود.
 ۸. برنامه‌ریزی و تلاش برای گسترش رفت و آمدها و تماس‌های دیپلماتیک رسمی و غیررسمی، راه کار دیگری است که می‌باید مورد توجه قرار گیرد.
 ۹. تشویق و گسترش تماس‌های مدنی و غیرحکومتی میان شهروندان دو طرف نیز توصیه می‌شود.
 ۱۰. نکته پایانی با مسائل داخلی کشور ارتباط دارد. همان‌طور که در مباحث این نوشتار اشاره شد اتحادیه اروپا روندها، رویه‌ها و مسائل داخلی جمهوری اسلامی ایران را به دقت پیگیری کرده و در مقاطع مختلف نیز آشکارا به این موضوع اشاره داشته است. این اتحادیه وضعیت اصلاحات و مردم‌سالاری در ایران را به عنوان یکی از متغیرهای مهم و مؤثر در تنظیم روابط خود با این کشور تعیین کرده است. اصولاً پیشرفت‌های چند سال گذشته ایران در خصوص این موضوعات، یکی از مهم‌ترین دلایل تصمیم اتحادیه اروپا برای گسترش روابط خود با تهران بوده است.
- بی‌شک چنانچه روند فوق در ایران به هر دلیل عقیم و ناکام ماند تأثیر و پیامد منفی بسیار مهمی بر روابط این کشور با اتحادیه اروپا خواهد گذاشت. البته این موضوع که تعریف اتحادیه اروپا از دموکراسی یا حقوق بشر تا چه حد با تعریف برخی گروه‌های اصلاح‌طلب داخلی که در چارچوب نظام فعالیت می‌کنند مشابهت یا اختلاف دارد موضوعی است که صرفاً در شرایط فراهم بودن امکان عملیاتی شدن نظریات گروه‌های مزبور قابل بررسی

است؛ اما در شرایط فعلی که چنین امکانی هنوز به طور کامل فراهم نشده است و در خصوص نوع تعریف و چگونگی اجرای مقولات فوق، همچنان میان این گروه‌ها و سایر گروه‌های داخلی اختلاف وجود دارد نمی‌توان در مورد میزان تطابق یا عدم تطابق رویکرد دو طرف در قبال مسائلی همچون حقوق بشر نظر قطعی داد.

با این حال به دلیل اتکای اتحادیه اروپا و گروه‌های اصلاح‌طلب داخل به ارزش‌های دو مکتب مختلف فکری (لیبرالیسم و اسلام) می‌توان انتظار داشت که در مرحله عمل دو طرف با برخی موضوعات اختلاف‌زا مواجه شوند؛ اما در شرایط کنونی که بحث و جدل در خصوص موضوعات فوق در ایران ادامه دارد اتحادیه اروپا بدون وارد شدن به جزئیات به صورت کلی از شعارهای جناح اصلاح‌طلب در خصوص حقوق بشر، آزادی بیان و آزادی مطبوعات حمایت می‌کند و در تمامی اعلامیه‌ها و بیانیه‌های خود در مورد ایران چنین حمایتی را ابراز می‌دارد. همان‌طور که اشاره شد پیشرفت‌های چند سال گذشته ایران در این زمینه‌ها، یکی از دلایل بهبود روابط اتحادیه اروپا با ایران بوده است. از این رو فراهم کردن زمینه تداوم پیشرفت در مورد این موضوعات، شرطی اساسی برای تسریع روند گسترش روابط ایران و اروپا به حساب می‌آید.

با عملیاتی کردن و کاربست این پیشنهادها و توصیه‌ها می‌توان تا حدود زیادی امیدوار بود که اتحادیه اروپا تا زمان عملی نشدن تهدیدات آمریکا بر ضد ایران، فعالانه از این کشور بخواهد تا سیاستی ایجابی و غیرقهری در قبال ایران برگزیند. اما در شرایط عملی شدن این تهدیدات، نمی‌توان به ایفای نقش بازدارنده از سوی اتحادیه اروپا به نفع ایران، امید بست.

منابع و مأخذ:

1. "America and Europe: A Time for Unity", *A Time for Vision*, www.csis.org.
2. Britain Fails to Persuade EU to Back War on Iraq, www.converge.org.nz, 16 march, 2002.
3. Draft Report, *Committee on Foreign Affairs, Human Rights, Common Security and Defense Policy*, www.Europa.eu.Int, 3 October, 2001.
4. "EU Disagree with US Concept on Axis of Evil", *Beijing Times*, 10 February, 2002.
5. "Europe is Still an American Protectorate", *Eastern Europe Project*, 1 November, 1999.
6. "The EU's Relations with Iran", www.eurunion.org, 20/2/2001.
7. "EU's Relation with the Islamic Republic of Iran", www.europa.eu.Int, Feb. 2001.
8. EU Relations with the United States, www.eurunion.org.
9. EU Official Criticizes Axis of Evil Speech, *News*, www.theolympian.com.
10. EU May Oppose Action Against Iraq, www.intellnet.org, 16 March, 2002.
11. EU: Opposition to Bush's Axis of Evil, www.echoIran.com/bulletin/157/eu.htm.
12. "EU's Pattern Criticizes US Foreign Policy", *News*, www.bbc.co.uk, 9 February, 2002.
13. Hoffman, Bruce; "Is Europe Soft on Terrorism?", *Foreign Policy*, summer 1999 or www.foreignpolicy.com/issue-sept-oct-2001/hoffman.
14. Iran and Turkey: Europe's Dilemma, *Euro Focus*, Vol 4, No 2, 10 Feb, 1999.
15. "Iran rejects Eu preconditions for Expanding Trade Ties", in www.yahoo.com. 12/9/2002.

16. Lobyakas, Ahto; "EU: Relation with Iran Heading for a Thaw Despite Human Rights", www.rferl.org, 11/9/2001.
17. "Military Operations In Afghanistan – declaration", by the EU Presidency, www.jpn.cec.eu.int, 7 October 2001.
18. "Opinion Committee on Industry, External Trade, Research and Energy", www.europa.eu.int, 6 November 2001.
19. Pond, Elizabeth; "Kosovo: Catalyst for Europe", *Washington Quarterly*, Autumn 1999.
20. Serfy, Simon; "European Common Foreign, Security and Defense Policies: Implications for United States and Atlantic Alliance", www.csis.org, 10 November 1999.
21. Schwarz, Peter; "European Foreign Ministers Attach Bush's Policy", www.wsws.org, 15/2/2002.
22. "Strategic Partnership Issues after Kosovo", www.csis.org, 22 October 1999.
23. "Transatlantic Relations after 11 September", *EU-US News*, Volume IV, No 8, January 2002.
24. Tully, Andrew F; "U.S: Europeans React Negatively to Axis of Evil", www.rferl.org, 11 February, 2002.
25. "Working Toward a Common U.S.European Union Position on Proliferation Issues", www.Fas.org/spp/starwars/congress/1998.
26. "UK Pressed to Clarify Differences with US Policy towards Iran", www.payvants.com, 26/4/2002.